

Causal Explanation of Crimes in Crime-Prone Areas and Prevention from the Perspective of the Police (Case Study: Babol City)

Amir Gorjizadeh Otahsara¹ | Hassan Haji-Tabar Firoozjai² | Mehdi Esmaeili³

1. PhD Student of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Amol.
Amir.gorjizadeh4@gmail.com
2. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Qaemshahr Branch (Corresponding Author), hajitabar@yahoo.com
3. Associate Professor, Department of Law, Islamic Azad University, Central Tehran Branch.
Dresmaeli@yahoo.com

Article Info

Article type:
Scientific Article

Received:
2024/07/07

Received in revised form:
2024/08/25

Accepted:
2024/09/20

Keywords:

Crime, Crime-Prone Areas, Prevention, Police, Babol.

Abstract

One of the modern discussions of crime involves an interdisciplinary phenomenon known as crime-prone areas, a concept framed by economic, social, and cultural roots, and the causal relationship between these factors and the occurrence of disorders and crimes in urban areas. This research, which is of a survey type and applied in its objective, investigates the issue. The statistical population includes law enforcement personnel in Babol, consisting of all senior officers, junior officers, non-commissioned officers, and employees in 2023, totaling 367 individuals. Based on Cochran's formula, 187 people were selected as the sample size through random sampling. From four police stations and seven posts in Babol, 18 officers from each police station and 17 officers from each post were randomly chosen to answer the questionnaire. A researcher-made questionnaire was used as the research tool. To examine the normality of the variables, the Kolmogorov-Smirnov (K-S) test was applied. Since the variables did not follow a normal distribution, non-parametric tests, including Chi-square and Friedman, were employed to analyze the study's hypotheses. The results of the hypothesis testing indicated that, from the police's perspective, economic factors, demographic characteristics, and the moral and educational patterns of residents in crime-prone areas are related to the occurrence of crimes in these regions. The findings confirm many theoretical foundations in the fields of economics, sociology, social sciences, and criminology, and also demonstrate the necessity of adopting the modern approach of "social and environmental prevention" in these areas.

How To Cite

Gorjizadeh Otahsara, Amir; Haji-Tabar Firoozjai, Hassan; Esmaeili, Mehdi (2024). Causal Explanation of Crimes in Crime-Prone Areas and Prevention from the Perspective of the Police (Case Study: Babol City). *Journal of Judgment*, 119(3), 91-111.
<http://doi.org/10.22034/judg.2024.2039846.1325>

DOI

[10.22034/judg.2024.2039846.1325](https://doi.org/10.22034/judg.2024.2039846.1325)

Publisher

Publications of the Judiciary of Tehran Province



تبیین علت شناختی جرائم در نقاط جرم خیز و پیشگیری از آن از نگاه پلیس (مطالعه موردی: شهر بابل)

امیر گرجی زاده اطاقسرا^۱ | حسن حاجی تبار فیروزجائی^۲ | مهدی اسماعیلی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی آمل، رایانامه: Amir.gorzizadeh4@gmail.com
۲. دانشیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر (نویسنده مسئول)، رایانامه: hajitabar@yahoo.com
۳. دانشیار گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، رایانامه: Dresmaeli@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: علمی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۳۰ کلیدواژه: جرم، نقاط جرم خیز، پیشگیری، پلیس، بابل.	از جستارهای امروزی جرم‌عنايت به پدیده‌ای میان‌رشته‌ای، مشهور به نقاط جرم‌خیز است؛ گزاره‌ای با چارچوبی از ریشه‌یابی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و قرانت پیوستگی علت و معلولی آنها با وقوع ناهنجاری‌ها و جرم در گستره شهرها. پژوهش حاضر از گونه پیمایشی و از منظر هدف، کاربردی است. جامعه آماری مطالعه مشتمل بر نیروی انتظامی شهر بابل شامل تمام افسران ارشد، افسران جزء، افسران درجه‌دار و کارمندان در سال ۱۴۰۲ به تعداد ۳۶۷ می‌باشد. منطبق با فرمول کوکران، ۱۸۷ نفر به‌عنوان نمونه آماری برآورد و با روش نمونه‌گیری تصادفی‌گزینش شدند. بدین‌سان که از چهار کلانتری و هفت پاسگاه شهر بابل هجده نفر به‌صورت تصادفی از هر کلانتری و هفده نفر نیز به‌صورت تصادفی از هر پاسگاه، برای پاسخگویی به پرسشنامه برگزیده شدند. از پرسشنامه محقق‌ساخته در حکم ابزار پژوهش بهره برده شد. به منظور بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش، از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف (K-S) استفاده شد و از آن روی که متغیرهای پژوهش از توزیع نرمال پیروی نکردند، آزمون‌های ناپارامتریک خی‌دو و فریدمن جهت وارسی فرضیه‌های مطالعه به‌کار گرفته شدند. یافته‌های حاصل از بررسی فرضیات بیانگر آن بود که از دیدگاه پلیس، زمینه‌های اقتصادی، خصوصیات جمعیت‌شناختی و چند و چون الگوهای اخلاقی و تربیتی ساکنان نقاط جرم‌خیز، با بروز جرائم در این نقاط پیوستگی دارد. دریافت‌های پژوهش حاضر بنیادها و فرضیه‌های بسیاری از نظریه‌های اقتصادی، جمعیت‌شناختی، اجتماعی و جرم‌شناختی را اثبات و نیز کارایی رویکرد نوین «پیشگیری اجتماعی و محیطی» را در این حوزه‌ها بایسته می‌سازد.
استناد گرجی‌زاده اطاقسرا، امیر؛ حاجی تبار فیروزجائی، حسن؛ اسماعیلی، مهدی (۱۴۰۳). تبیین علت‌شناختی جرائم در نقاط جرم‌خیز و پیشگیری از آن از نگاه پلیس (مطالعه موردی: شهر بابل)، فصلنامه قضاوت، ۱۱۹(۳)، ۹۱-۱۱۱. http://doi.org/10.22034/judg.2024.2034512.1305	
DOI 10.22034/judg.2024.2034512.1305	
ناشر انتشارات دادگستری کل استان تهران	



مقدمه

به تناسب خلقت یافتن و اجتماعی شدن انسان، جرم نیز زاده شده است، چراکه جرم از ماهیتی انسانی - اجتماعی برخوردار است (فعال و صادقی، ۱۳۹۷، ص ۵۷). لازمه جرم محسوب شدن رفتار این است که در قانون به عنوان جرم پیش بینی شده باشد و مبنای شرعی تا زمانی که به صورت قانون در نیامده باشد، در قضاوت تأثیری ندارد (ماده ۲ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲). بر اساس ماده ۲ قانون مجازات اسلامی، «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می شود». بدین معنا، جرم شناسه جوهری و نهادی در قانون ندارد، لکن متکی و منوط به نفس مجازات است (نجفی ابرندآبادی و گلدوزیان، ۱۳۹۷، ص ۳۲۰).

آنچه امروزه و در خصوص پدیده جرم باید بدان پرداخت، نقاط خاصی از شهر است که در طول چند دهه گذشته نگرش جرم شناسان، جامعه شناسان و نیز شهرسازان و معماران را به خود واداشته و این همان مقوله «نقاط جرم خیز»^۱ است. اصطلاح کانون های جرم خیز (نقاط داغ جرم) برای نخستین بار توسط شرمن، گارتین و برگر^۲ (۱۹۸۹) مطرح شد که آن را بر گونه ای از علت شناسی مکانی جرم بنیاد نهادند. هریس^۳ کانون های جرم خیز را نواحی کوچکی می داند که در آن ارتکاب جرم سهل باشد یا برخی اشکال متمرکز و مجتمع در توزیع بزه کاری یا تکرار جرم در مکان و یا محدوده هایی باشد که بزه کاری از نظر زمان و مکان در آن تجمع یابند (عبادی نژاد و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۲۹). تیلور و هارل^۴ نیز معتقدند که «از آنجا که مجرمین برای اجرای جرم بیشتر به دنبال کم مخاطره ترین و مساعدترین مجال ها هستند، کانون ها یا محدوده هایی در سطح شهر ایجاد می شوند که جهت اهداف مجرمانه، بیشترین فرصت ها را دارا می باشند؛ به شکلی که تعداد جرائم در آن نسبت به سایر نقاط، نرخ بیشتری را نشان می دهد» (تیلور و هارل، ۲۰۱۹، ص ۴). در واقع نقاط داغ بیانگر نحوه جای گیری خوشه های جرم و جنایت است که با صعود بلا واسطه تمرکز، فرصت های مجرمانه به وجود می آید (میلر، کاپلان و اوسترمان، ۲۰۱۶، ص ۱۰۶). کلارک^۵ (۱۹۹۸) نیز کانون های جرم خیز را نقاطی می داند که نسبت به محدوده های دیگر، درخواست کمک و تماس مردم با پلیس بیشتر است (عباسی اسفجیر و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۳۲۵). ویزبرد و اک^۶ وجود ملزومات مساعد جرم، خصایص مکانی مناسب جرم، اهداف و آماج مجرمانه و تراکم

1. Crime hotspots
2. Sherman, Gartyn & Burger
3. Harries
4. Taylor & Harrell
5. Miller, Caplan & Ostermann
6. Clarke
7. Wizbard & Eck

حضور مجرمان و انگیزه جرم را در پیدایش کانون‌های جرم‌خیز مؤثر دانسته‌اند (بارانی پسیان و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۴۱۱).

سابقه شناسایی و تحلیل نواحی بحرانی شهری به‌مثابه رویکردی علمی، به دهه ۱۹۸۰ میلادی بازمی‌گردد (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۰۳). توجه به موقعیت و خصوصیات مکانی رخدادهای جرم یکی از ملزومات مهم برای شناسایی نقاط بحرانی جرم است. از خصایص شهر بابل که آن را به شهری مورد واری و چالش‌برانگیز از لحاظ کالبدی، فرهنگی، اقتصادی و جمعیت‌شناختی تبدیل کرده، تمرکز زیاد خدمات با عملکرد منطقه‌ای، افزایش تعداد شهرک‌های صنعتی، افزایش جمعیت که بیشتر ناشی از ادغام روستا و شهر بوده است، می‌باشد. از ویژگی‌های این شهر می‌توان این موارد را برشمرد: وجود سکونتگاه‌های غیررسمی، تأمین نبودن و نبود بهسازی برای زیرساخت‌ها، بهبود شرایط زندگی به منظور کاهش گسینختگی کالبدی پیکره اصلی شهر، رفع تبعیض و خدمات‌رسانی برای گروه‌های کم‌درآمد و آسیب‌پذیر، حضور مهاجران با باورها و رفتارهای متفاوت و نیز بیکار به سبب همجواری با شهرستان قائمشهر به دلیل وجود صنعت نساجی، قرار گرفتن در مسیر ارتباطی استان تهران، گلستان و خراسان و نیز به قرارگرفتن در مسیر شهر توریستی بابلسر و دربرگرفتن مسافران با فرهنگ‌های مختلف (اله‌قربانی اصل و جوانمرد، ۱۳۹۴، ص ۴۶). همچنین حاشیه‌نشینی به‌عنوان یک معضل و آشفستگی شهری - که به‌طور عمده در بخش‌های جنوب شرقی شهر بابل در محلات جوکی محله و هفت‌تن، کتی و جنوب غربی آن یعنی منطقه موزیرج تحت تأثیر توسعه بی‌برنامه، رشد و تغییر سریع و نبود ثبات به‌وجود آمده - با ساخت‌وسازهای غیرمتعارف و سلیقه‌ای ناشی از تراکم و فشردگی جمعیت همراه بوده و در نتیجه، توازن بافت و ساختار این شهر را دچار آشفستگی ساخته که به دنبال خود، مشکلات اجتماعی و امنیتی در شهر را به‌وجود آورده (احمدیان شیا، ۱۳۹۶، صص ۳-۲). در پژوهش حاضر سه دسته جرم «اعتیاد و خرید و فروش مواد مخدر»، «سرقت، جیب‌بری و اخاذی» و «مزاحمت، ضرب‌وجرح و قتل» واکاوی شده. علت توجه و پرداختن به این جرائم میزان شیوع و گسترش آنهاست.

بر اساس گزارش آماری مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضاییه (۱۴۰۰)، طبقه‌بندی فراوانی زندانیان در کل کشور بر اساس نوع جرم در پایان سال ۱۴۰۰ نشانگر آن بود که رتبه اول این آمار مربوط به جرائم مواد مخدر، رتبه دوم مختص جرایم سرقت و ربودن اموال دیگران و رتبه سوم مربوط به جرایم خشن همچون ضرب‌وجرح و درگیری و نزاع بوده است. همچنین از آمار کل موجودی زندان‌های استان مازندران در سال ۱۴۰۰ به میزان ۷۲۱۷ نفر، مشخص شد که فراوانی زندانیان بر اساس نوع جرم بدین ترتیب بوده است: ۱- جرائم مواد مخدر (۴۶ درصد)، ۲- جرم سرقت (۲۵/۹ درصد) و ۳- جرائم خشن همچون ضرب‌وجرح و درگیری و نزاع (۱۳/۸ درصد)

(حیدری و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۵۸). بدین ترتیب لزوم پرداختن به این سه نوع از جرائم در پژوهش حاضر، بایسته می‌گردد.

از ضروریات پرداختن به دیدگاه پلیس در این پژوهش آن است که اکثر مطالعات وابسته با جرم، از گونه گذشته‌نگر است یا گرایش (فراکنی) مجرمان، کجروی‌ها و جرائم را می‌سنجند. از این رو در این مطالعه به تعمق دیدگاه گروه شغلی پلیس اهتمام شد، چراکه پلیس به عادات رفتاری و نفس انحرافی مجرمان واقف است و نیز با «اقدام به اشکال تخلفات» در آنان آگاهی و آشنایی دارد. شایسته است که برآیند این مطالعات برای تمییز راهبرهای پیشین و مدل‌سازی خط‌مشی‌ها و برنامه‌ریزی‌های آتی درباره تدابیر نیروی انتظامی به‌کار گرفته شود. در این راستا، با هدف و ضرورت بررسی و واکاوی برخی عوامل جرم‌خیزی در نقاط خاص و بحرانی شهر بابل از دیدگاه پلیس، فرضیه‌های زیر بحث و ارزیابی شد:

- کیفیت و شرایط اقتصادی نقاط جرم‌خیز موجب بروز جرم در این نقاط می‌شود.
- خصوصیات جمعیت‌شناختی نقاط جرم‌خیز موجب بروز جرم در این نقاط می‌شود.
- الگوها و ارزش‌های اخلاقی و تربیتی حاکم بر نقاط جرم‌خیز موجب بروز جرم در این نقاط می‌شود.
- متغیرهای اثرگذار بر ارتکاب جرم در نقاط جرم‌خیز شهر بابل، از نگاه پلیس، اولویت متفاوتی دارند.

پیشینه تجربی

کیفیات ویژه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و حتی جمعیت‌شناختی نقاط شهری به انضمام ناتوانی‌های ساختاری موجود در آن، مسبب صورت‌بندی جرائمی خاص می‌شود. برخی مناطق زاینده جرائم علیه اموال، بعضی دیگر رواج‌دهنده جرائم مختص مواد مخدر و مکان‌هایی مستعد خشونت‌پروری است و بعضی محدوده‌ها همزمان دسته‌ای از جرائم متنوع را بازتولید می‌کنند.

«فقر توده‌ای و متمرکز شده در مناطق جرم‌خیز، نابرابری فضایی از لحاظ شغلی و آموزشی و تفریحی و کاربری مختلط» (گل‌خندان ۱۴۰۱)، غفاری (۱۴۰۰)، خضری و همکاران (۱۴۰۰)، زیاری و همکاران (۱۳۹۸)، میرکمالی و حمیدی‌پور (۱۳۹۸)، احمدیان شیاده (۱۳۹۶)، حاتمی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۳)، شمعی و همکاران (۱۳۹۱)، بایسال^۱ (۲۰۲۳)، لازی^۲ و همکاران (۲۰۲۰) و مهدنژاد و همکاران (۱۴۰۱)، «ناشناس و نامتجاس بودن افراد محله به دلیل ناهمگنی قومی -

1. Baysal

2. Lazzati

نژادی، تراکم و تحرک جمعیت بالا» (یارخواهی و حقی (۱۳۹۶)، علیزاده و عنبری (۱۳۹۶)، شمس و همکاران (۱۳۹۱)، عیاده‌پور و همکاران (۱۴۰۱)، زیاری (۰۴۰۰)، امینی و همکاران (۰۱۹۹)، خضری و همکاران (۱۳۹۹)، عبادی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۸)، علیزاده و عنبری (۱۳۹۶)، احمدیان شیاده (۱۳۹۶)، محمدی و همکاران (۱۳۹۶)، اله‌قربانی اصل و همکاران (۱۳۹۵)، پرهیز و همکاران (۱۳۹۵)، لطفی و همکاران (۱۳۹۴)، پیشگاهی فرد و همکاران (۱۳۹۰)، ژانگ^۱ و همکاران (۰۲۳)، کُر و سانی^۲ (۲۰۲۲) و گاپتا^۳ (۲۰۲۱))، «الگوساز بودن مجرمین در مناطق جرم‌خیز، فراهم بودن فرصت و تاکتیک‌های اجرای جرم در مکان‌های جرم‌خیز، ضعف ارزش‌های سنتی، فرهنگی و دینی در این مناطق در کنار فقدان گروه‌های مرجع دینی و هویتی، فقر ارزش‌گذاری مثبت به محافظت در جهت زیبایی و پاکیزگی محله» (علیزاده و عنبری (۱۳۹۶)، شماعی و همکاران (۱۳۹۱)، شاطریان و همکاران (۱۳۹۹)، ملتفت و مولایی (۱۳۹۶)، جوادی و خسروشاهی (۱۳۹۵)، درویشی و داودی دهقانی (۱۳۹۹)، سلیمی سبحان و همکاران (۱۳۹۴)، حاتمی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۲)، مرصوصی و همکاران (۱۳۹۳)، بهزادپور و همکاران (۱۳۹۷)، خضری و همکاران (۱۳۹۹)، رضایی بحرآباد (۱۳۹۰)، رابرتز^۴ و همکاران (۲۰۰۱)، سالواتور و رابین^۵ (۲۰۱۸)، سامتر^۶ و همکاران (۲۰۱۸)، آدامزیک^۷ و همکاران (۲۰۱۷) و ویسبورد^۸ (۲۰۱۴))، تحریک‌کننده جرائم در زیستگاه‌های بحرانی هستند.

در پژوهش حاضر عوامل و موارد مذکور جزو متغیرهای مورد مطالعه است، اما مرکز ثقل تمایز این پژوهش با پیشینه تجربی این نکته است که همه این موارد، از دیدگاه پلیس - و نه از زبان مجرمان یا ساکنان این مناطق - مدنظر قرار می‌گیرد، چراکه سوگیری، فرافکنی و در مواردی پاسخ‌های غیرواقع‌ناشی از بررسی‌های گذشته‌نگر توسط مجرمان، همواره نتایج را تحت تأثیر قرار می‌دهد. لذا برای پیشگیری از این موارد، به کیفیات عوامل جرم‌خیزی از نگاه پلیس پرداخته شد، زیرا پلیس با داشتن تجربه از دنیای جرم و عوامل مؤثر بر آن، شناخت نواحی جرم‌خیز و آشنا بودن با خطی‌های پیشگیری، در ارائه پژوهشی نو در این زمینه راه‌گشا خواهد بود. از سوی دیگر، با اذعان به نکاتی که در ضرورت تحقیق آورده شد، پژوهش حاضر در زمینه علت‌شناسی اقتصادی، جمعیت‌شناختی و اجتماعی - فرهنگی وقوع جرائم در نقاط جرم‌خیز شهر بابل و علی‌الخصوص در حوزه جرم‌شناختی، به‌عنوان نخستین پژوهش مطرح می‌باشد.

1. Zhang
2. Kaur & Sahni
3. Gupta
4. Roberts
5. Salvatore & Rubin
6. Sumter
7. Adamczyk
8. Weisburd

۱. مبانی و چهارچوب نظری

۱-۱. رویکرد منطقه گرایی و فضایی

انریکو فری^۱ در نظریه جبرگرایی محیط، در سطح اجتماعی سازه‌هایی همچون فرهنگ، سطح آموزش، تراکم جمعیتی و... را تحریک‌کننده‌های جرائم می‌داند (عصاره و شامبیاتی، ۱۳۹۱، ص ۹۷). در نظر وی، عوامل اجتماعی مذکور در کنار عوامل فردی، از بزهکار عروسک خیمه‌شب‌بازی فاقد اراده مختار مسئولیت‌ساز می‌سازد (امیریان فارسانی، ۱۳۹۸، صص ۳۱-۳۰). برگس^۲ در نظریه زیست‌بوم انسانی، «منطقه انتقالی» را به دلایلی چون سطح بالای تحرک جمعیت، نرخ بالای مهاجرت و تراکم جمعیت به موجب ویژگی‌های مناطق حاشیه‌ای، دربرگیرنده بالاترین نرخ جرم می‌داند (رشیدیان و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۲۴). پارک^۳ نیز در این خصوص معتقد است که ساختار کالبدی شهر با تأثیر عمیقی که بر الگوهای فرهنگی - اجتماعی زندگی شهری می‌گذارد، از پیشرفت و بهبود انگیزه‌های ساکنان جلوگیری می‌کند و باعث رواج انحرافات اجتماعی می‌گردد. وی این فرایند را در سه مرحله «هجوم»، «حیرگی» و «جایگزین شدن» قابل تبیین می‌داند (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۷۱). شاو^۴ و مک‌کی^۵ الگوی توزیع مکانی جبری اقلیت‌ها در مناطق جرم‌خیز را ناشی از ناتوانایی مالی آنها دانسته‌اند (عصاره و شامبیاتی، ۱۳۹۲، ص ۹۹). نظریه «مکان انحرافی»^۶ استارک^۷ (۱۹۸۷) بیان می‌دارد که پنج وجه ساختاری محله‌های شهری شامل تراکم، فقر، کاربرد مختلط، کوچ دائم و خرابی موجب بروز افزون‌تر فرصت‌های ارتکاب جرم، انگیزه مجرمانه، کاهش آستانه تحمل و نزول کنترل غیررسمی و کشش مستعدین ارتکاب جرم به این محله‌ها می‌گردد (همان، ص ۱۰۲).

آنگلز^۸ (۱۹۶۸) تراکم بیش از حد جمعیت را با به حداقل رساندن فضای مناسب برای پیشرفت و بالندگی، با پرخاشجویی مرتبط می‌داند (امیریان فارسانی، ۱۳۹۸، ص ۳۴). لوئیس ورت^۹ در نظریه بی‌سازمانی محله، ناهمگونی جمعیت را که در پی تحرکات طبقاتی و نژادی سرانجام مسبب پیدایش مناطق حاشیه‌ای می‌شود، بر میزان جرم و جنایت مؤثر دانسته است (فیروز و مدانلو جویباری، ۱۳۹۶، ص ۵۲). کلوارد و اوهلین^{۱۰} در نظریه فرصت‌های نامشروع افتراقی، محیط‌های

-
1. Ferri
 2. Burgess
 3. Park
 4. Shaw
 5. Mc Kay
 6. Deviant Place Theory
 7. Stark
 8. Angels
 9. Wirth
 10. Clover and Ohlin

یادگیری و همچنین فرصت‌های آموزشی و شغلی کژروانه را با نرخ بالاتر جرم قابل انتظار می‌دانند (جوانمرد، ۱۳۹۶، ص ۴).

۱-۲. رویکرد هدفمندی زمانی - مکانی یا فرصت

در این سطح، تعیین انگیزش و عوامل فردی مرتبط با ارتکاب جرم نادیده گرفته می‌شود و فقط روی اعمال مجرمانه در یک زمان و مکان خاص تأکید می‌شود. نظریه فعالیت‌های روزمره کوهن و فلسون^۱، گستردگی و پراکنش جرائم غارتگرانه را با سه متغیر ۱- هدف‌های مناسب در دسترس ۲- فقدان نگاهبان بانفوذ ۳- حضور مجرمان با انگیزه، مرتبط می‌داند (علیوردی‌نیا و علیمردانی، ۱۳۹۶، ص ۶). کورنیش و کلارک^۲ در نظریه انتخاب عقلانی، به تاکتیک‌های آسان و در دسترس اجرای یک جرم در راستای منفعت طلبی مجرم (تصمیمات حادثه‌ای) اشاره دارند (شیروی و رستمیان، ۱۳۹۰، ص ۷۳).

رویکردهای نظری مورد بحث، قرائتی جزئی از نظریه‌های جرم و بزهکاری در رابطه با احتمال وقوع جرم در مناطق جرم‌خیز است؛ لذا نظریه‌های مرتبط و تبیین‌کننده، در تفسیر فرضیه‌های ارائه شده نیز به‌کار گرفته شده است.

۲. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نظر روش گردآوری داده‌ها توصیفی از نوع زمینه‌یابی (پیمایش)، از منظر هدف، کاربردی و از بعد زمان، مقطعی است. جامعه آماری پژوهش حاضر را نیروی انتظامی شهر بابل شامل تمام افسران ارشد، افسران جزء، افسران درجه‌دار و کارمندان، به تعداد ۳۶۷ نفر تشکیل می‌دهد. برای محاسبه حجم نمونه، از فرمول کوکران بهره‌گیری شد و بر این اساس، ۱۸۷ نفر به‌عنوان حجم نمونه برآورد شدند. لیکن با دقت به این امر که محتمل است تعدادی پرسشنامه پاسخ یا برگشت داده نشود، تعداد نمونه به ۱۹۰ نفر افزایش یافت تا این مسئله منجر به نقص حجم نمونه نهایی نسبت به حجم نمونه محاسبه شده نشود. برای انتخاب نمونه آماری از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده شد، بدین سان که از چهار کلاتری و هفت پاسگاه شهر بابل، هجده نفر به‌صورت تصادفی از هر کلاتری و هفده نفر نیز به‌صورت تصادفی از هر پاسگاه برای پاسخگویی به پرسشنامه برگزیده شدند.

اطلاعات مورد نیاز پژوهش از طریق پرسشنامه محقق‌ساخته گردآوری شد که حاوی چهل و

1. Cohen & Felson

2. Clark & Cornish

دو پرسش لیکرتری پنج‌گزینه‌ای (خیلی کم = ۱ تا خیلی زیاد = ۵) در قالب سه متغیر شرایط اقتصادی (پنج‌گویه)، خصوصیات جمعیت‌شناختی (چهار‌گویه) و ارزش‌ها و الگوهای اخلاقی و تربیتی (شش‌گویه) طراحی شد.

برای تحلیل داده‌ها از آزمون خی دو^۱ (آزمون مربع کای) و فریدمن^۲ استفاده شد. داده‌ها با نرم افزار SPSS23 تحلیل شد. برای تعیین روایی صوری و محتوایی ابزار پژوهش، پرسشنامه‌ها در اختیار چند تن از کارشناسان، متخصصان و صاحب‌نظران با درجه دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی و اقتصاد قرار گرفت که با استفاده از دیدگاه‌های آنان، روایی پرسشنامه‌ها تأیید شد. برای واریسی پایایی ابزار پیمایش، از آزمون آلفای کرونباخ بهره‌برده شد. بدین قصد، نخست نمونه‌ای اولیه مشتمل بر ۳۰ پرسشنامه، پیش‌آزمون شد و سپس با بهره‌جویی از داده‌های حاصل، میزان ضریب پایایی این ابزار محاسبه شد. در آزمون مجدد، با حذف برخی پرسش‌ها میزان آلفای کرونباخ پرسشنامه کل و همچنین مؤلفه‌های آن، به حد قابل قبول رسید ($r_a > 0/70$).

یافته‌ها

۳-۱. یافته‌های توصیفی

جدول ۱: توصیف متغیرهای تحقیق برحسب شاخص‌های آماری به تفکیک جرائم مورد بررسی

مزامحت، ضرب و جرح و قتل		سرقت، جیب‌بری و اخاذی		اعتیاد و خرید و فروش مواد مخدر		جرائم
SD	M	SD	M	SD	M	متغیر
۳/۵۸	۱۴/۹۴	۵/۸۴	۱۵/۷۴	۱/۵۸	۱۲/۹۰	شرایط اقتصادی محیط
۲/۷۰	۱۳/۶۱	۹/۱۹	۱۲/۰۷	۳/۰۱	۱۱/۱۰	ویژگی‌های جمعیت‌شناختی محیط
۵/۱۱	۱۵/۹۳	۴/۷۳	۱۴/۶۵	۵/۵۶	۱۴/۶۹	ارزش‌ها و الگوهای اخلاقی و تربیتی محیط

مطابق با ارقام جدول و نمودار فوق، از دیدگاه نمونه آماری، متغیر شرایط اقتصادی بیشترین میانگین را در جرائم مربوط به سرقت، جیب‌بری و اخاذی با مقدار ۱۵/۷۴ از ۲۰، از خود نشان داد. متغیر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی با میانگین ۱۳/۶۱ از ۱۶ بیشترین میانگین را در جرائم مربوط به

1. Chi-squared test

2. Friedman test

مزاحمت، ضرب و جرح و قتل و متغیر ارزش‌ها و الگوهای اخلاقی و تربیتی بیشترین میانگین را به میزان ۱۵/۹۳ از ۲۰ در جرایم مربوط به مزاحمت، ضرب و جرح و قتل داشتند.

جدول ۲: فراوانی دیدگاه جمعیت نمونه در مورد مهم‌ترین راهکارهای پیشگیری از جرائم در نقاط جرم‌خیز

متغیر	فراوانی	فراوانی نسبی
به کارگیری منابع و مخبرین	۱۷۸	۹۴/۱
حضور نگهبان محله	۱۷۵	۹۲/۱
نصب دوربین‌های مدار بسته	۱۷۴	۹۱/۵
ایجاد فضاهای عمومی مناسب	۱۶۸	۸۸/۴
حضور و گشت‌زنی پلیس	۱۵۸	۸۳/۱
شناسایی و حذف مکان‌های متروکه، پاتوق و خانه‌های خالی از سکنه	۱۴۲	۷۴/۷
شناسایی و کنترل افراد سابقه‌دار مانند زندانیان آزاد شده یا در حال مرخصی	۱۴۲	۷۴/۷

جدول فوق بیانگر آن است که بیشترین فراوانی جمعیت نمونه به میزان ۹۴/۱ درصد، معتقدند که «به کارگیری منابع و مخبرین» مهم‌ترین راهکار پیشگیری از جرائم در نقاط جرم‌خیز است. در مراتب بعدی، ۹۲/۱ درصد و ۹۱/۵ درصد از پاسخگویان به ترتیب «حضور نگهبان محله» و «نصب دوربین‌های مدار بسته» را در پاسخ به این پرسش بیان داشتند. کمترین فراوانی پاسخگویان (۷۴/۷ درصد) «شناسایی و حذف مکان‌های متروکه، پاتوق و خانه‌های خالی از سکنه» و «شناسایی و کنترل افراد سابقه‌دار مانند زندانیان آزاد شده یا در حال مرخصی» را شایع‌ترین راهکارهای پیشگیری از جرائم در نقاط جرم‌خیز عنوان کردند.

۲-۳. یافته‌های مرتبط با فرضیه‌ها

برای واریس نرمال بودن متغیرهای پژوهش، از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف (K-S) استفاده شد. نتایج بیانگر آن بود که در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($\alpha=0/05$)، متغیرهای پژوهش از توزیع نرمال پیروی نکرده ($\alpha > p=0/05$) و بدین ترتیب، از آزمون‌های ناپارامتریک χ^2 دو و فریدمن برای بررسی فرضیه‌های پژوهش بهره‌گیری شد.

جدول ۳: جدول نمرات مشاهده شده و مورد انتظار بین متغیرهای پیش‌بین و متغیر ملاک

گزینه متغیر		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
شرایط اقتصادی محیط	مشاهده شده	۰	۸	۵۱	۸۵	۴۵
	مورد انتظار	۴۷/۲	۴۷/۲	۴۷/۲	۴۷/۲	۴۷/۲
	باقیمانده	-۴۷/۲	-۳۹/۲	۳/۸	۳۷/۸	-۲/۲
ویژگی‌های جمعیت‌شناختی محیط	مشاهده شده	۰	۰	۲۰	۱۱۰	۵۸
	مورد انتظار	۶۲/۷	۶۲/۷	۶۲/۷	۶۲/۷	۶۲/۷
	باقیمانده	-۶۲/۷	-۶۲/۷	-۴۲/۷	۴۷/۳	-۴/۷
ارزش‌ها و الگوهای اخلاقی و تربیتی محیط	مشاهده شده	۰	۸	۶۰	۹۳	۲۹
	مورد انتظار	۴۷/۵	۴۷/۵	۴۷/۵	۴۷/۵	۴۷/۵
	باقیمانده	-۴۷/۵	-۳۹/۵	۱۲/۵	۴۵/۵	-۱۸/۵

مطابق با جدول فوق، فراوانی مشاهده شده متغیرهای پیش‌بین در گزینه «متوسط و زیاد» بیشتر از فراوانی مورد انتظار بوده که نشان‌دهنده بالا بودن میزان دیدگاه جمعیت نمونه در خصوص اثرگذاری متغیرهای مذکور بر وقوع جرائم در مناطق جرم‌خیز است.

جدول ۴: آزمون خی‌دو (کای اسکوئر یک‌بعدی) متغیرهای پیش‌بین

متغیر	X ²	Df	p
شرایط اقتصادی محیط	۶۳/۱۶	۳	۰/۰۰
ویژگی‌های جمعیت‌شناختی محیط	۱/۰۹۲	۳	۰/۰۰
ارزش‌ها و الگوهای اخلاقی و تربیتی محیط	۸۶/۹۲	۳	۰/۰۰

مطابق با جدول فوق، مقدار خی‌دو متغیرهای در نظر گرفته شده با سطح معنی‌دار (sig>0/05) 0/00 نشانگر آن است که بین فراوانی‌های مشاهده شده با آنچه انتظار داشتیم (جدول ۳)، تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به عبارتی، از دیدگاه جمعیت نمونه، هر سه متغیر مذکور بر امکان

بروز جرائم در این مناطق تأثیرگذار هستند و این یافته قابل تعمیم به جامعه آماری است. بدین سان سه فرضیه نخست پژوهش تأیید می‌شود.

جدول ۵: نتایج آزمون فریدمن

متغیر	X ²	Df	p
شرایط اقتصادی محیط	۹۱/۳	۳	۰/۰۰
ویژگی‌های جمعیت شناختی محیط	۶۴/۶	۴	۰/۰۰
الگوهای اخلاقی و تربیتی محیط	۷۷/۱۰	۳	۰/۰۰

با دقت به سطح معنی‌داری آماره خی‌دو به مقدار ۰/۰۰ که پایین‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد، این نتیجه حاصل شد که پاسخگویان تفاوت معنی‌داری را از نظر اولویت‌بندی شاخص‌های هریک از متغیرهای اقتصادی، جمعیت‌شناختی و الگوهای اخلاقی و تربیتی مورد بررسی مؤثر بر جرم در این نقاط بیان کرده‌اند ($P < 0/05$, $df=3$). در جدول ۶ برجسته‌ترین این شاخص‌ها از لحاظ اولویت از دیدگاه پاسخگویان آورده شده است.

جدول ۶: مهم‌ترین شاخص‌های متغیرهای پیش‌بین از دیدگاه نمونه مورد مطالعه

متغیر	در اولویت‌ترین شاخص	میانگین رتبه‌ای
شرایط اقتصادی محیط	تجمع جمعیت با قدرت اقتصادی پایین و فقیر در مناطق جرم‌خیز	۲/۸۷
ویژگی‌های جمعیت‌شناختی محیط	تحرك جمعیت و مهاجرپذیر بودن مناطق جرم‌خیز	۳/۲۳
الگوهای اخلاقی و تربیتی محیط	حضور متخلفان مناطق جرم‌خیز و تأثیر کنش و ارتباط متقابل با آنها	۷/۹۷

جدول فوق نمایانگر برجسته‌ترین شاخص‌های متغیرهای مورد بررسی از دیدگاه نمونه مورد بررسی است.

در نهایت، فرضیه چهارم عبارت است از اینکه عوامل اثرگذار بر ارتکاب جرم در نقاط جرم‌خیز شهر بابل، از نگاه پلیس از اولویت متفاوتی برخوردارند.

جدول ۷: میانگین رتبه‌های متغیرهای پیش‌بین

متغیر	میانگین رتبه‌ای	اولویت
شرایط اقتصادی محیط	۲/۹۹	اول
الگوهای اخلاقی و تربیتی محیط	۱/۸۹	دوم
ویژگی‌های جمعیت‌شناختی محیط	۱/۱۱	سوم

جدول فوق بیانگر تفاوت اولویت عوامل تأثیرگذار بر ارتکاب به جرم در نقاط جرم‌خیز شهر بابل از چشم‌انداز نمونه مورد بررسی است که مطابق با اولویت‌بندی این جدول، متغیر شرایط اقتصادی محیط برجسته‌ترین عامل در نظر گرفته شد.

جدول ۸: نتایج آزمون فریدمن

P	Df	X ²
۰/۰۰	۳	۳۶۶/۶

با عنایت به جدول فوق این نتیجه دریافت شد که اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر جرم در نقاط جرم‌خیز از نظرگاه نمونه مورد بررسی، با دقت به مقدار احتمال p ، $(P < 0/05, df = 3, p = 663/6 = \text{مجذورکای})$ ، معنی‌دار است و این یافته قابل تعمیم به جامعه آماری می‌باشد.

۴. بحث

برآیند حاصل از آزمون فرضیات حاکی از آن بود که از دیدگاه نمونه مورد بررسی، شرایط اقتصادی نقاط جرم‌خیز شهر بابل بر وقوع جرائم در این مناطق تأثیرگذار است و این نتیجه قابل تعمیم به جامعه آماری بود. در تبیین یافته حاضر، به رویکرد منطقه‌گرایی و فضایی و رویکرد هدف‌مندی زمانی-مکانی یا فرصت شامل نظریه‌های جرم‌شناسی محیطی و تئوری انتخاب عقلانی می‌توان اشاره کرد. برگس معتقد است که منطقه انتقالی به دلیل ترک و مهاجرت افراد دارای وضعیت اقتصادی بهتر، جرم و بزهکاری در آن نقطه را به اوج می‌رساند؛ در نتیجه منجر به برپایی کانون‌های جرم‌خیز می‌شود و توجه مسئولان امنیتی و انتظامی را به خود جلب می‌کند (سنگانه و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۴۶).

نابرابری فضایی به‌واسطه ایجاد پیوستار غنی و فقیر در کلانشهرها منجر به تراکم جغرافیایی

فقر در برخی از فضاهای زیستی می‌شود که در نهایت منجر به شکل‌گیری فضاهای آسیب‌زا می‌گردد (خضری و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۲۸۰). از سوی دیگر، به اعتقاد استارک، محله‌های فقیر و متراکم گرایش به پذیرش کاربری‌های اراضی مختلط خواهند داشت. محله‌های فقیر که پیرامون آنها مملو از املاک تجاری و مسکونی است، اهداف آسانی برای مجرمان برای ارتکاب جرایم سرعت فراهم می‌سازد (مهدنژاد و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۲۴۱). شاو و مک‌کی نیز معتقدند که محله‌های نواحی صنعتی یا بازرگانی سنگین و یا محله‌های چسبیده به این نواحی - مانند مناطق اطراف کارخانه‌ها - به دلیل داشتن بیشترین ساختمان‌های بلااستفاده، دلیلی بر جذب مجرمان در این مناطق هستند (امیریان فارسانی، ۱۳۹۸، ص ۳۲). کلارک و کورنیش در رهیافت فرصت بیان می‌دارند که جرم رفتاری هدفمند است و انواع جرم برحسب هدف مجرم، فاکتورهای موقعیتی، فرایند محاسبه و تصمیم‌گیری مجرم متفاوت است (رضایی بحرآباد، ۱۳۹۱، ص ۵۲). از این منظر، ارتکاب جرم در مناطق جرم‌خیز یک انتخاب معقول و حساب شده است، چراکه از یک سو جهت رفع نیازهای روزمره و از سوی دیگر، در بهترین مکان از لحاظ دوری از خطر شناسایی و دستگیر شدن اتفاق می‌افتد (محمدی جانکی و قورچی بیگی، ۱۳۸۸، ص ۳۵۴).

از یافته‌های دیگر مطالعه حاضر این بود که متغیر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نقاط جرم‌خیز به میزان زیادی بر بروز جرم در نقاط جرم‌خیز مؤثر است و این نتیجه معنی‌دار و قابل تعمیم به جامعه آماری بود. برای تبیین این اثرگذاری‌ها، به رویکرد منطقه‌گرایی و فضایی (نظریه‌های جرم‌شناسی محیطی) پرداخته می‌شود. برگس بر این باور است که در منطقه انتقالی (منطقه جرم‌خیز)، به سبب سطوح فراوان تحرک جمعیت، مهاجرت و تراکم جمعیت، بالاترین میزان جرم و بزهکاری مشاهده می‌شود. فقدان ثبات جمعیتی و بوم‌شناختی در این مناطق به تضعیف نفوذ نهادهای اجتماعی از قبیل خانواده و ناتوانی مهار ساکنان می‌شود. لوویس ورث نیز تحرک مکانی طبقات بالا از مرکز شهر به سمت خارج در اثر شلوغی را مسبب هجوم گروه‌های فقیر تازه‌وارد و گروه‌های نژادی به این مراکز می‌داند که خود بر میزان جرم و جنایت مؤثر است (فیروزی و مدانلو جویباری، ۱۳۹۶، ص ۵۲). همچنین بر اساس نتایج تئوری زیست‌بوم‌شناسی، هنگامی که یک محل مورد هجوم واقع می‌شود، روابط نمادین و معرف تثبیت شده موجود در آن محل به‌عنوان شناسه آن، از بین می‌رود و لذا سازماندهی طبیعی آن محل آسیب جدی می‌بیند. به عبارتی، دیگر کسی همسایگان خود را نمی‌شناسد و از این رو، افراد حتی در محله خود نیز می‌توانند ناشناس باشند و این احساس «نبود کنترل از جانب دیگران» باعث بروز وقایع مجرمانه می‌گردد (چگینی و همکاران، ۱۳۹۷، صص ۶۸-۶۹). استارک (۱۹۸۷) در نظریه «مکان انحرافی»، تراکم یا تعداد افراد در یک ناحیه مشخص را یکی از سازوکارهای به‌وجود آمدن فرصت‌هایی بیشتر برای ارتکاب جرم، افزایش انگیزه مجرمانه،

پایین آمدن آستانه تحمل افراد و کاهش کنترل غیررسمی می‌داند، علاوه بر اینکه این عوامل موجب جذب افراد مستعد ارتکاب جرم به این محله‌ها نیز می‌گردند (رحمت، ۱۳۹۰، صص ۹۹ و ۱۰۰). انگلز نیز معتقد است که فضای متراکم از انبوه جمعیت ناآشنا و غریبه، محیطی مساعد برای تخطی از قواعد و هنجارهای زندگی شهری را فراهم می‌کند، چراکه جامعه به موازات گسترش یافتن و متراکم شدنش، تسلط کمتری بر فرد دارد و در نتیجه دیگر به خوبی گذشته قادر نیست گرایش‌های ضداجتماعی را مهار کند (امیریان فارسانی، ۱۳۹۸، ص ۳۴). شاو و مک‌کی نیز فرض کرده‌اند که مناطق شهری متراکم و بزرگ روابط انسانی سطحی را تشویق می‌کند که به ترتیب، تضاد بین فردی را افزایش می‌دهد و کنترل و نظارت رسمی را ضروری می‌کند (باقری و ملتفت، ۱۳۹۰، ص ۱۲۸). پارک و برگس بر این باور بودند که چنانچه اقلیت‌های فرهنگی و نژادی مهاجران از فرهنگ متجانس خود جدا و به‌عنوان خرده‌فرهنگ وارد مناطق شهری و به‌ویژه سکونتگاه‌های فقیرنشین شوند، فرایند تبدیل گروه‌های اقلیت به خرده‌فرهنگ همراه با پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین ساکنان و سکونت در زاغه‌نشین‌های شهر، منتهی به ایجاد خرده‌فرهنگ بزهکارانه و شیوع جرم و جنایت خواهد شد (رشیدیان و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۲۴). شاو و مک‌کی بالا بودن نرخ جرم در میان اقلیت نژادی مثل سیاه‌پوستان را به دلیل الگوی توزیع مکانی آنان در مناطق جرم‌خیز می‌دانند که دلیل آن نیز قدرت اقتصادی پایین این دسته از افراد است که ناچار به زندگی در این مناطق هستند (عصاره و شامبیاتی، ۱۳۹۲، ص ۹۹).

نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم نشانگر آن بود که از دیدگاه نمونه مورد بررسی، بین الگوهای اخلاقی و تربیتی نقاط جرم‌خیز و وقوع جرم در این نقاط رابطه وجود دارد و این متغیر قدرت پیش‌بینی و تبیین جرم را نیز دارد. در تبیین فرضیه حاضر بایسته است به رویکرد منطقه‌گرایی و فضایی (نظریه فرصت افتراقی) و رویکرد هدف‌مندی زمانی - مکانی یا فرصت (نظریه فعالیت‌های روزمره) اشاره کرد. ساترلند^۱ توضیح می‌دهد که رفتار انحرافی از خلال همکنش و تعامل با دیگران به‌خصوص در درون گروه‌های صمیمی در فرایندی از ارتباطات آموخته می‌شود.

ایکرز^۲ نیز معتقد است که رفتار انحرافی بر اساس اصول شرایط عامل (شرطی شدن کنشگر) و در گروه‌هایی صورت می‌پذیرد که منبع تقویت فرد به حساب می‌آید (ایار و همکاران، ۱۳۹۳، صص ۴۶-۴۷). آلبرت بندورا^۳ فراگیری رفتار از طریق الگوسازی را کارآمدتر از یادگیری از طریق همنشینی افتراقی و تقویت می‌داند (قاضی طباطبایی، ۱۳۹۱، صص ۴۷-۴۶). گابریل

1. Sutherland
2. Ackers
3. Bandura

تارد^۱ در همین راستا بیان می‌دارد که انسان‌ها در طول زندگی اجتماعی، به‌طور بی‌نهایت کنش‌ها و رفتارهای یکدیگر را تقلید می‌کنند (شیروی و رستمیان، ۱۳۹۰، ص ۶۶). نظریه فعالیت‌های روزمره بر این باور است که جرم معلول فرصت است؛ در واقع مجرم فردی عقلانی است و جرم انتخابی عقلانی است، آن‌گونه که تیلور و هارل معتقدند که یافتن کم‌خطرترین و مناسب‌ترین فرصت‌ها برای ارتکاب جرم از سوی مجرمان، کانون‌های جرم‌خیز را ایجاد می‌کند (تیلور و هارل، ۲۰۱۰، ص ۴۱). میلر، کاپلان و اوسترمان (۲۰۱۶) نیز نقاط داغ را با افزایش تمرکز فرصت‌های مجرمانه در ارتباط مستقیم می‌دانند. سی‌ری جفری در نظریه پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی، بر فرصت‌هایی که محیط در اختیار مجرمان قرار می‌دهد تأکید داشت و جرایم گوناگون را ناشی از فرصت‌های محیطی می‌دانست (حیدری و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۹).

برگس معتقد بود که نبود ثبات جمعیتی و بوم‌شناختی در منطقه انتقالی (جرم‌خیز) موجب تخریب توانایی کارکردی نهادهای اجتماعی از قبیل خانواده و کنترل رفتار ساکنان می‌شود. از طرفی، ارزش‌های سنتی فرهنگ قومی توان متقاعدسازی نوجوانان و جوانان را ندارد و آنان به وضعیت حاشیه‌ای کشیده می‌شوند؛ در نتیجه فاقد هویت‌های گروهی و مرجع‌هایی می‌شوند که آنان را به سمت رفتاری که در جامعه مورد پذیرش است، سوق دهد. در چنین شرایطی، گروه‌های همسال بزهکار جای خالی را پر می‌کنند و راه‌حلی برای خروج از این شرایط حاشیه‌ای ارائه می‌دهند (رشیدیان و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۲۴). سی‌ری جفری معتقد است که امنیت و قابلیت زندگی در یک فضا بستگی به درک و تصویری دارد که ساکنان محله‌ها از فضا دارند. اگر ساکنان تصویر بدی از آنها داشته باشند، احتمال ارتکاب جرم در آن فضا بیشتر خواهد شد. ارتقا و بهبود تصویر مثبت از محیط و حفظ و نگهداری مرتب محیط به‌عنوان یک ارزش، این اطمینان را به ساکنان می‌دهد که محیط فیزیکی کارکرد خود را به‌طور مؤثر انجام داده و موجب انتقال پیام‌های مثبت به تمام ساکنان و کاربران فضا خواهد شد (حاتمی‌نژاد، ۲۰۱۳، صص ۷۳-۷۱). همچنین از مقصودهای الیزابت وود برای دفاع از محیط، پیشرفت و ترقی نمای ساختمان‌ها در نگاه ساکنان بود (سهیلی و طالبی، ۱۴۰۲، ص ۶۶). از سوی دیگر، آلودگی محیطی گذشته از مسائل بهداشتی و نازیبایی چهره شهر، می‌تواند سبب افزایش رفتارهای ناهنجار و خشن شود و مأمونی برای ولگردان، معتادان و تکدی‌گران ایجاد کند (گنجی، ۱۳۹۴، ص ۳).

یافته‌هایی پژوهش نشان داد که برجسته‌ترین عامل در وقوع جرم در نقاط جرم‌خیز شهر بابل از دیدگاه پلیس، متغیر شرایط اقتصادی محیط است و در مرتبه بعدی الگوهای اخلاقی و تربیتی محیط و سپس ویژگی‌های جمعیت‌شناختی محیط عنوان شده است.

نتیجه

در جرم‌شناسی پیشگیرانه مقصود از پیشگیری از جرم کلیه اقدامات و تدابیری است که هدف آن کاهش فرصت‌ها و موقعیت‌های ارتکاب جرم یا به حداقل رسانیدن وسعت و شدت ارتکاب جرم است. پیشگیری در این مفهوم به منزله وسایل و ابزاری است که دولت برای مهار کردن بهتر جرائم از دو طریق مورد استفاده قرار می‌دهد. نخست از طریق حذف یا محدود کردن عوامل جرم‌زا و دوم، از راه مدیریت مناسب نسبت به عوامل محیطی (چه فیزیکی و چه اجتماعی) که خود فرصت‌های مناسبی را برای ارتکاب جرم ایجاد می‌کند.

دریافت‌های مطالعه حاضر بیانگر آن است که از دیدگاه پلیس سطوح وسیعی از رفتارهای پرخطر و انحرافی ساکنان نقاط جرم‌خیز، معلول کیفیات شرایط کلان و خرد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و محیطی است که در قالب فرضیه‌ها و جداول آورده شده‌اند. اما آنچه مورد نظر و مذاقه می‌باشد، ارائه راهکارهای پیشگیری از این نوع جرائم از دیدگاه پلیس است. همان‌گونه که از جدول شماره ۲ برمی‌آید، راهکار «به‌کارگیری منابع و مخبرین، حضور نگهبان محله، حضور و گشت‌زنی پلیس و نصب دوربین‌های مدار بسته، شناسایی و حذف مکان‌های متروکه و پاتوق و خانه‌های خالی از سکنه» از نگاه پلیس، از راهکار پیشگیری وضعی از جرم است. پیشگیری وضعی بیشتر با حمایت از آماج‌های جرم و نیز مجرمان بالقوه و اعمال تدابیر فنی، به دنبال پیشگیری از بزه‌دیدگی افراد یا آماج در برابر بزه‌کاران و مجرمان است که در نهایت و به‌طور غیرمستقیم، کاهش بزهکاری نتیجه آن خواهد بود. همچنین راهکار «ایجاد فضاهای عمومی مناسب» از سوی پلیس، ارائه پیشگیری اجتماعی یا اصلاحی از نوع جامعه‌مدار را به نمایش می‌گذارد. لذا توجه جدی به مقوله‌های کلان اقتصادی، تحت کنترل قرار دادن تحرکات جمعیتی شدید و بدون قاعده و تدارک الگوهای همانندسازی و جامعه‌پذیری ارزشی و دینی در مناطق جرم‌خیز و در پی آن، ارائه و به فعلیت رساندن پیشگیری‌های وضعی و اجتماعی (جامعه‌مدار) از ضروریات عنایت مسئولان و کارگزاران خواهد بود.

در پایان پیشنهاد می‌شود که مطالعات همسو برای پیمایش دیگر سازه‌های نافذ در وقوع جرائم در نقاط جرم‌خیز، همچنین انجام پژوهش‌های مشابه در راستای سنجش نظرگاه‌های سایر اقشاری که با بزه‌کاران و مجرمان در ارتباط هستند و تحقیقات همسان در مقیاس استانی، کشوری و بین‌المللی و همچنین مطالعات طولی برای تطبیق جرائم نقاط جرم‌خیز در بلندمدت مدنظر قرار گیرد.

منابع

۱. ابراهیمی، مهرزاد؛ چاکرزهی، عبدالوهاب، (۱۳۹۴). «ارتباط میان نرخ جرم و جنایت با تورم و بیکاری در ایران»، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، شماره ۴.
۲. احمدیان شیاده، حسین، (۱۳۹۶). «حاشیه‌نشینی و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی شهر بابل؛ مطالعه موردی: جوکی محله، سیاه‌تلی، چنگیزخانی»، دومین همایش بین‌المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، تهران.
۳. اله‌قربانی اصل، ولی؛ جوانمرد، مهدی، «نقش بافت کالبدی شهر در پیشگیری از جرائم (نمونه موردی: شهر بابل)»، نشریه علمی دانش انتظامی مازندران، شماره ۷(۲۲)، ۱۳۹۴.
۴. امیریان فارسانی، امین، (۱۳۹۸). «جایگاه نظریات جرم‌شناسی مبتنی بر محیط در ایران»، پژوهش‌های حقوقی قانون‌یار، شماره ۲ (۶).
۵. امینی مصطفی‌آبادی، رضا؛ فروزنده، پیام، (۱۳۹۹). «واکاوی مفهوم جرم به عادت»، دومین کنفرانس بین‌المللی حقوق و علوم قضایی، تهران.
۶. بارانی پسیان، وحید؛ عباسی فلاح، وحید؛ میرشکاران، یحیی؛ رضازاده، اکبر، (۱۴۰۰). «شناسایی و تحلیل فضایی - زمانی کانون‌های جرم‌خیز شهری (مورد مطالعه: جرائم سرقت در شهر ورامین)»، پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، شماره ۱۴ (۱).
۷. باقری، معصومه؛ ملتفت، حسین، «برخی عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم زنان: مطالعه نمونه‌هایی از زنان در شهر اهواز»، مطالعات اجتماعی ایران، شماره ۴ (۲)، ۱۳۹۰.
۸. بهزادپور، محمد؛ کربلایی حسینی غیاثوند، ابوالفضل، (۱۳۹۷). «مطالعه تطبیقی عوامل کالبدی مؤثر بر پیشگیری از وقوع سرقت از ساختمان‌های مسکونی در بافت‌های فرسوده و جدید شهری با استفاده از روش تحلیل شبکه (ANP)»، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی، شماره ۷(۲).
۹. پرهیز، فریاد؛ ضرابی، اصغر؛ محمدی، جمال؛ مشکینی، ابوالفضل، (۱۳۹۶). «شناسایی و تحلیل مکانی کانون‌های جرم‌خیز در کلان‌شهرها: مطالعه موردی: منطقه ۱۲ کلان‌شهر تهران»، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران (پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی)، شماره ۵(۴).
۱۰. پیشگاهی‌فرد، زهرا؛ کلاتنری، محسن؛ پرهیز، فریاد؛ حق‌پناه، احسان، (۱۳۹۰). «تحلیل جغرافیایی کانون‌های جرم‌خیز جرائم مرتبط با مواد مخدر در شهر کرمانشاه»، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، شماره ۳(۱۱).
۱۱. تیلور رالف بی، هارل ادل وی، محیط کالبدی و بزهکاری، ترجمه سمیه قزلباش و محسن کلاتنری، (۱۳۸۹). زنجان، نشر آذرکلک.
۱۲. جوادی حسین‌آبادی، حسین؛ خسروشاهی، قدرت‌الله، (۱۳۹۵). «تحلیل رابطه مؤلفه‌های هویت دینی و پیشگیری از جرم»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، شماره ۵(۱۷).
۱۳. جوانمرد، کریم‌الله؛ محمودی، سعید، (۱۳۹۶). «بررسی رابطه طلاق والدین با بزهکاری فرزندان»، کنفرانس سالانه پژوهش در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی.
۱۴. چگینی، مهدی؛ ساریخانی، عادل، آزادفر، محمداصداق، (۱۳۹۷). «تأثیر زیستگاه بر بزهکاری در آموزه‌های حقوق اسلام و غرب»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، شماره ۵(۴).
۱۵. حاتمی‌نژاد، حسین؛ مهدی، علی؛ مهدیان بهنمیری، معصومه، (۱۳۹۳). «نگرشی بر جرم‌خیزی و زمینه‌های ارتکاب به جرم در محلات حاشیه‌نشین: مورد پژوهش: محله شادقلی خان شهر قم»، تحقیقات جغرافیایی، شماره ۲۹(۱).
۱۶. حیدری، سعید؛ رحمانی فیروزجاه، علی؛ عباسی اسفنجیر، علی‌اصغر؛ مهرآیین، مصطفی، (۱۴۰۱). «تحلیل پدیدارشناختی ادراک زندانیان جرایم خشن استان مازندران در موقعیت‌های خردفرهنگ لات‌بازی»،

- جامعه پژوهی فرهنگی، شماره ۱۳ (۳).
۱۷. خضری، فرشید؛ اجتهادی، مصطفی؛ قادری، صلاح‌الدین، (۱۳۹۹). «مورد پژوهی محله جرم‌خیز: ساختارها، فرایندها و سازوکارهای وقوع جرم در محله هرندی شهر تهران»، رفاه اجتماعی، شماره ۲۰ (۷۶).
 ۱۸. درویشی، صیاد؛ داودی دهاقانی، ابراهیم، (۱۳۹۹). «تأثیر فرهنگ بومی اسلامی بر پیشگیری از جرائم در شهر قم»، فصلنامه علمی پژوهشی اسلام و علوم اجتماعی، ۱۲ (۲۳).
 ۱۹. رحمت، محمدرضا، (۱۳۹۰). پیشگیری از جرم از طریق معماری و شهرسازی، راهکارهای نوین پیشگیری از جرم، تهران، انتشارات میزان.
 ۲۰. رشیدیان، علیرضا؛ هژیر الساداتی، هانیه؛ شیخ‌الاسلامی، عباس؛ قربانی، محمود، (۱۳۹۹). «مدل مفهومی عوامل مؤثر بر کاهش جرم در حاشیه شهر مشهد»، مطالعات راهبردی، شماره ۲۳ (۸۸).
 ۲۱. رضایی بحرآباد، حسن، (۱۳۹۱). «بافت‌های فرسوده شهری، مکان‌های جرم‌خیز: تأثیر بافت فرسوده پیرامون حرم رضوی بر وقوع جرم»، مطالعات اجتماعی ایران، شماره ۴ (۴).
 ۲۲. زیاری، کرامت‌الله؛ ابدالی، یعقوب؛ الله‌قلی‌پور، سارا، (۱۳۹۸). «تحلیل و ارزیابی مؤلفه‌های کیفیت زندگی در کانون‌های جرم‌خیز، مطالعه موردی: منطقه ۱۲ شهر تهران»، بوم‌شناسی شهری، شماره ۱۰ (۱۹).
 ۲۳. سلیمی سبحان، محمدرضا؛ یاری، منیر؛ حیدری، جهانگیر، (۱۳۹۴). «رویکرد پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی و منفعل‌سازی کانون‌های جرم‌خیز شهری»، نشریه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، شماره ۱۰ (۳).
 ۲۴. سنگانه، رحمان؛ زراعت، عباس؛ گنجی، محمد؛ خسروشاهی، قدرت‌الله، (۱۳۹۸) «بررسی موانع اجتماعی فرهنگی اجرای حقوق شهروندی در استان اصفهان»، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی، شماره ۸ (۱).
 ۲۵. سهیلی، جمال‌الدین؛ طالبی، طناز، (۱۴۰۲) «بررسی رابطه کیفیت فضایی قلمرو ثانویه در افزایش احساس امنیت محیطی دانش‌آموزان در فضاهای آموزشی»، معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، شماره ۱۶ (۴۲).
 ۲۶. شاطریان، محسن؛ حیدری، رسول؛ شاطریان، محمود؛ دولتیاران، کامران، (۱۳۹۹). «مدل‌سازی و تحلیل عوامل مؤثر بر وقوع جرم در مناطق حاشیه‌نشین شهر کاشان»، فصلنامه علمی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شماره ۱۰ (۳۷).
 ۲۷. شمعی، علی؛ شاهی‌میرزا، محمدعین؛ ملکان، جواد، (۱۳۹۱). «بررسی عوامل و پدیده‌های مؤثر بر بروز جرائم و آسیب‌های اجتماعی در کلانشهرها (با تأکید بر مناطق حاشیه‌نشین)»، فصلنامه علمی پژوهشی اطلاعات جغرافیایی سپهر، شماره ۲۱ (۸۳).
 ۲۸. شمس، مجید؛ پرهیز، فریاد؛ مهدنژاد، حافظ؛ قمری، مصطفی؛ محمدی، کاوه، (۱۳۹۱). «تحلیل رابطه جرم و تراکم جمعیت در بلوک‌های آماری با استفاده از سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی (GIS)؛ مطالعه موردی منطقه اسکان غیررسمی اسلام‌آباد زنجان»، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، شماره ۳ (۸).
 ۲۹. شیروی، مهسا؛ رستمیان، حنظله، (۱۳۹۰). «بررسی نقش اراده در تحقق مسئولیت‌کفتری در نظریات جرم‌شناختی و تأثیر آن بر مسئولیت‌کفتری منحرفین جنسی»، فصلنامه علمی پژوهشی حقوق پزشکی، شماره ۵ (۱۷).
 ۳۰. عبادی‌نژاد، سید علی؛ کنعانی، اکبر؛ مهدوی‌نیا، مهدی، (۱۳۹۸). «شناسایی کانون‌های جرم‌خیز سرقت داخل خودرو و بررسی تأثیر تراکم جمعیت در شکل‌گیری این کانون‌ها در شهر گرگان»، پژوهشنامه جغرافیایی انتظامی، ۷ (۴۵).
 ۳۱. عباسی اسفنجیر، علی‌اصغر؛ قربانی اصل، ولی‌الله، (۱۳۹۵). «نقش مؤلفه‌های اجتماعی در پیشگیری از جرائم شهری (سرقت و مواد مخدر)، نمونه موردی: منطقه‌ی سه شهر ساری»، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، ۶ (۲۰).
 ۳۲. عصاره، عبدالرحمن؛ شامبیاتی، هوشنگ، (۱۳۹۲). «کنش‌های متأثر از محیط و راهبردهای مهار پدیده مجرمانه»، تحقیقات حقوقی بین‌المللی، شماره ۶ (۱۹).
 ۳۳. علیزاده، کنایون؛ عنبری، سید حسین، (۱۳۹۶). «نقش فضاهای بی‌دفاع شهری در وقوع جرم با تأکید بر پارک‌های منطقه ۹ مشهد»، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، شماره ۸ (۲۹).

۳۴. علیوردی نیا، اکبر؛ علیمردانی، منا، (۱۳۹۶). «کاربست تجربی نظریه فعالیت‌های روزمره در بررسی رفتارهای انحرافی دانشجویان»، مجله علمی پژوهشی وزارت علوم، شماره ۶۷.
۳۵. عیاده پور، حمید؛ صالحی، علی؛ فیلی، صادق، (۱۴۰۱). «بررسی رابطه بین تراکم جمعیت و جرم‌شناسی در شهر اهواز»، فصلنامه تمدن حقوقی، شماره ۵ (۱۳).
۳۶. غفاری، وحید، (۱۳۹۹). «عوامل مکانی و اجتماعی مؤثر بر نگرش شهروندان شهر فیروزآباد به مناطق جرم‌خیز»، ششمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، مشاوره و علوم تربیتی.
۳۷. فعال، طیب؛ صادقی، محمدحادی، (۱۳۹۷). «ماهیت جرم»، دانش و پژوهش حقوقی، شماره ۴ (۱).
۳۸. فیروزی، محمدعلی؛ مدانلو جویباری، مسعود، (۱۳۹۶). «واکوی آسیب‌های اجتماعی در محلات فرسوده شهری (نمونه موردی: منطقه سه شهر ساری)»، مجله آمایش جغرافیایی فضا، شماره ۷ (۲۴).
۳۹. قاضی طباطبایی، محمود؛ سیفی، علیرضا؛ مشتاق، روشنک، (۱۳۹۱). «سهم ساختار و یادگیری اجتماعی در بزهکاری نوجوانان شهر تهران (مطالعه موردی: ۵ منطقه حاشیه نشین)»، راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۴.
۴۰. گل خندان، سمیرا، (۱۴۰۱). «بررسی نقش زیست‌بوم در ارتکاب جرائم مواد مخدر شهرستان اراک»، تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۲ (۵۲).
۴۱. گنجی، منیره، (۱۳۹۴). «تأثیر معماری و محیط‌های شهری در پیشگیری از بزهکاری با تأکید بر رویکرد طراحی محیطی (CPTED)»، کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و زیرساخت‌های شهری، تبریز.
۴۲. لطفی خاچکی، طاهره؛ اصغر فیروزجاییان، علی، (۱۳۹۵). «بررسی رابطه ضعف کنترل اجتماعی و بی‌نظمی اجتماعی و فیزیکی در میان شهروندان تهرانی»، فصلنامه علمی مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۷ (۴۸).
۴۳. محمدی جانکی، فیروز؛ فورچی بیگی، مجید، (۱۳۸۸). «نقش طراحی محیطی در پیشگیری از جرم»، مطالعات حقوق خصوصی، شماره ۳۹ (۲).
۴۴. محمدی، علیرضا؛ فیروزی مجنده، ابراهیم؛ ارژنگی مستعلی بیگلو، حجت، (۱۳۹۸). «پهنه‌بندی فضاهای بی‌دفاع و مستعد جرم‌خیزی در شهر اردبیل»، پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، شماره ۷ (۴).
۴۵. مرصوصی، نفیسه؛ صفرعلی زاده، اسماعیل؛ حسین زاده، رباب، (۱۳۹۳). «نقش طراحی محیطی در پیشگیری از وقوع جرائم شهری (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهر اصفهان)»، فصلنامه علمی پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، شماره ۵ (۱۰).
۴۶. ملتفت، حسین؛ مولایی، جابر، (۱۳۹۷). «بررسی رابطه دینداری و گرایش به جرم (مورد مطالعه: جوانان شهر دره‌شهر)»، مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، شماره ۱۷ (۳۹).
۴۷. مهدنژاد، حافظ؛ زنگانه، احمد؛ پرهیز، فریاد، (۱۴۰۱). «تبیین علل شکل‌گیری کانون‌های جرم‌خیز در بافت‌های فرسوده بر اساس نظریه مکان انحرافی در منطقه ۱۲ کلان‌شهر»، جغرافیای اجتماعی شهری، شماره ۲۱ (۱۹).
۴۸. میرکمالی، علیرضا؛ حمیدی پور، محسن، (۱۳۹۸). «پیشگیری رشدمدار از جرم در پرتو تئوری‌های نوین زیستی»، فقه و حقوق خانواده، شماره ۲۴ (۷۱).
۴۹. نجفی ابرنآبادی، علی حسین؛ گلدوزیان، حسین، (۱۳۹۸). «جرم‌شناسی پست‌مدرن و رویکرد آن به جرم و علت‌شناسی جنایی»، پژوهش حقوق کیفری، شماره ۶ (۲۳).
۵۰. یارخواهی، ایوب؛ حقی، یوسف، (۱۳۹۶). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر نوع و میزان جرم در مناطق جرم‌خیز شهر ایلام»، رویکردهای پژوهشی در علوم اجتماعی، شماره ۱۰.

51. Adamczyk Amy, Freilich. (2017). Joshua D, Chunrye Kim, Religion and Crime: A Systematic Review and Assessment of Next Steps, Sociology of Religion.

52. Baysal, Dilek (2023). Criminal Behavior and Toxic Environment, Criminal Behavior - The Underlyings, and Contemporary.

53. Gupta, Rupesh Kumar, (2021). Pattern & Prevention of Crime through Urban Environmental Design Using GIS, *Journal of Global Resources*, 07 (02).
54. Kaur, Sukhveen & Sahni, Sakshi, (2022). Spatial Planning Strategies for Crime-Prone Public Spaces: Amritsar City, *NAGARLOK*, 4.
55. Lasi. M. bin A. & Yunusi. E. bin, (2020). Factors Influencing High Crime Rate in Kuala Lumpur Urban Community, *International Journal of Publication and Social Studies*, 5(2).
56. Miller, J. Caplan, J, M. Ostermann, M, (2016). Assessing the effects of local crime hotspots on parole recidivism, *ARCHIWUM KRYMINOLOGII*, 20.
57. Mirkamali, A. Hamidipour, M, (2018). Crime-oriented growth prevention in the light of modern biological theories. *Fiqh and Family Law*, 24(71).
58. Roberts .Alden, Jerome Koch D, (2001). Paul Johnson, persistence of normative behavior: An empirical test, *Sociological Spectrum*. 21(1).
59. Salvatore. Christopher, Rubin. Gabriel, (2018). The Influence of Religion on the Criminal Behavior of Emerging Adults, *Religions*. 9(5).
60. Sumter, Melvina, Frank Wood, Ingrid Whitaker, Dianne Berger-Hill, (2018). Religion and crime studies: Assessing what has been learned, *Religions*, 9(6).
61. Weisburd. David, Groff. Elizabeth R. Yang. Sue-Ming, (2014). Understanding and Controlling Hot Spots of Crime: The Importance of Formal and Informal Social Controls, *Prevention Science*. 15(1).
62. Zhang, H. Gao, Y. Yao, D. Zhang, J, (2023). Interaction of Crime Risk across Crime Types in Hotspot Areas, *ISPRS Int. J. Geo-Inf*, 12(4).